

وفاق اجتماعی اقوام و خرده فرهنگ های ساکن در شهر

آیت کاظم زاده هریس^{۱*}، مریم معینی فر^۲،

^۱- دانشجوی دکتری، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.
^۲- استاد یار شهرسازی، گروه شهرسازی، واحد مشهد، دانشگاه آزاد اسلامی، قزوین، ایران.

:

چکیده

فرایند برنامه ریزی مشارکتی بر پایه الگو های مشارکتی و کثرتگرایی بعنوان محور های اصلی درک و تحلیل درهم آمیختگی و تنوع جمعیتی ناشی از افزایش جمعیت شهر ها در پی مهاجرت اقوام مختلف و سکنی گزیدن در حاشیه شهر ها راه حل مناسبی را برای ایجاد هویت شهروندی، توزیع برابر منافع و فرصت ها، ایجاد ساختار های مناسب اجتماعی جهت افزایش دلبستگی و وابستگی شهروندان به شهر و ایجاد وفاق اجتماعی بین شهروندان را پیش روی مدیریت شهری قرار میدهد. برنامه ریزی مشارکتی کثرتگرایی را در همه ابعاد می پذیرد و با پذیرش این اصل الگوی کثرتگرایی در حوزه های فرهنگی و اجتماعی، توانایی و ظرفیت لازم جهت پاسخگویی به چالش های پیش روی مدیریت شهری و نیاز های شهروندان در حوزه قومیت ها و خرده فرهنگ ها را دارد. مقاله حاضر در چارچوب پاسخگویی مناسب به دغدغه های موجود با بررسی الگوی کثرتگرایی و مشارکتی به عنوان اصلی ترین مولفه های افزایش میزان مشارکت شهروندان و توسعه متوازن محلی روشی مناسب برای پاسخگویی به چالش های پیش روی وفاق اجتماعی را مشخص مینماید. روش این پژوهش تحلیل محتوی کیفی بوده و یافته های پژوهش اصول و معیار ها و شاخص های مدیریت شهری در جهت تقویت کثرتگرایی و منافع خرده فرهنگ ها در شهر در جهت افزایش وفاق اجتماعی را در بر میگیرد.

واژه های کلیدی: مدیریت شهری، مشارکت، هویت شهروندی، قومیت گرایی، وفاق اجتماعی.

۱- مقدمه

جامعه جهانی امروزه به این نتیجه رسیده است که مشکل عمده مدیریت شهری کمبود منابع مالی یا فناوری مدرن یا نیروی انسانی ماهر نیست، بلکه پیش و بیش از همه، مشکل اصلی در شیوه اداره این عوامل است (ترابی، ۱۳۸۳، ۶). در میان رویکردهای گوناگون مطرح شده در عرصه مدیریت شهری، حکمروایی خوب شهری از مطرحترین رویکردهاست. مدیریت شهری در ایران به دلایلی چون تمرکزگرایی، برونزاد بودن برنامه ها و طرحهای شهری، اقتصاد رانتی و مبتنی بر نفت تحت تأثیر دولت بوده است و مدام از مدیریت سیستمی و یکپارچه فاصله گرفته و در گرداب مدیریت بخشی و سلولی گرفتار آمده و